

بخشودگی خیانت و عوامل مؤثر بر آن

Forgiveness of infidelity and its affecting factors

Zahra Morsali

Master of Clinical Psychology, Shahid Beheshti University, zahra_morsali@yahoo.com

Dr. Fereshteh Moutabi

Assistant Professor of Family Therapy Research Institute, Shahid Beheshti University

Dr. Mansoureh Sadat Sadeghi

Assistant Professor of Family Therapy Research Institute, Shahid Beheshti University

زهرا مرسلی

کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فرشته موتابی

استادیار پژوهشکده خانواده درمانی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر منصوره السادات صادقی

استادیار پژوهشکده خانواده درمانی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

خیانت فرازنشویی عواقب جدی را برای رابطه و افراد درگیر در آن به همراه دارد. یکی از راه‌هایی که به فرد خیانت‌دیده کمک می‌کند تا اثرات این عواقب را بر روی خود و روابطش کنترل کند، بخشودگی است. در محیط‌های بالینی بخشودگی به عنوان یک راهبرد درمانی برای کاهش خشم و رنج عاطفی ناشی از خیانت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در صورت نیاز به استفاده از بخشودگی در محیط‌های بالینی جهت بهبودی از عوارض خیانت باید دانست که بخشودگی چیست و چه عواملی منجر به شکل‌گیری آن می‌شوند. در این صورت است که می‌توان در جریان مداخلات درمانی این عوامل را شناسایی کرده و برای ایجاد یا تقویت آن‌ها برنامه‌ریزی شود. در سطح پیشگیری نیز به کارگیری این عوامل در حوزه‌ی فرزند پروری و تعلیم و تربیت، جامعه را در پرورش افراد بخشنده یاری می‌دهد. افراد با مجهز شدن به این عوامل در هنگام رو به رو شدن با خطاهایی از جمله خیانت بهتر می‌توانند خود را از عواقب آن مصون بدارند.

Abstract

Extramarital infidelity has serious consequences for relationship and the people involved. one of the way that help the betrayed person to control the effects of these consequences on himself and his relationship is forgiveness. In clinical setting, Forgiveness is used as therapeutic strategies to decrease the anger and emotional suffering from infidelity. If it is needed to use forgiveness in a clinical setting in order to recover from complications of infidelity, it should be considered that what is forgiveness is and what factors lead to its formation. In this case, these factors can be identified and planned to develop or reinforce them during therapeutic interventions. At the prevention level too, applying these factors in the field of parenting and education help societies to cultivate generous people. People who are equipped with these factors when confronted with errors such as betrayal can protect themselves from its consequences.

Key words: forgiveness, infidelity, effective factors

کلید واژه‌ها: خیانت، بخشودگی، عوامل مؤثر

مرداد ۹۷

پذیرش:

دریافت: خرداد ۹۷

نوع مقاله: تحلیلی

مقدمه

اکثر افراد نیاز دارند تا رابطه عاشقانه و در عین حال متعهدانه‌ای را تجربه کنند. یک رابطه عاشقانه در مقایسه با سایر روابط اجتماعی و به نسبت آن‌ها لذت و رضایت بیشتری را برای افراد ایجاد می‌کند. در کنار ظرفیت موجود برای فراهم آوردن احساس لذت، این رابطه امکان ایجاد عمیق‌ترین دردها را هم دارد. فهم خیانت شریک زندگی، می‌تواند یک تجربه‌ی دردناک باشد و واکنش‌هایی چون خشم، استرس شدید، بی‌اعتمادی، کاهش صمیمیت، آسیب عزت نفس، ترس از رها شدن و نیاز به ترک هم‌سر را برمی‌انگیزد (کیملدورف^۱، ۲۰۰۸). زوج درمانگران اشاره می‌کنند که خیانت، اغلب از مخرب‌ترین روابط و رفتارها در روابط بوده و درمان آن بسیار دشوار است (ویسمن، دیکسون و جانسون^۲، ۱۹۹۷). پیامدهای خیانت بسیار آسیب‌زا هستند و در نتیجه مداخلات زوجی مختلف به دنبال کاهش اثرات این آسیب‌ها هستند. به نظر می‌رسد بخشودگی ابزار مورد استفاده‌ی این مداخلات جهت بهبودی از خیانت‌های فرازنشویی است و به

1 Kimeldorf

2 Whisman, Dixon, and Johnson

طور مساوی هم برای زوج‌هایی که آشتی می‌کنند و هم برای آنهایی که طلاق می‌گیرند مهم است. درمانگران زوجی که خیانت را درمان می‌کنند از بخشودگی به عنوان ابزاری جهت نجات یک رابطه یا حداقل اتمام دوستانه‌ی آن استفاده می‌کنند (هال و فینچام^۱، ۲۰۰۶). مطالعات علمی پیرامون بخشودگی در حوزه‌ی خیانت بر بخشودگی به عنوان یک راهکار درمانی متمرکزند (هرتلین و ویکس^۲، ۲۰۰۷). که به زوج کمک می‌کند تا حس ما بودنشان^۳ را که زمانی مورد وقفه قرار گرفته و از دست رفته بود بازیابی کنند (پلوسو^۴، ۲۰۰۷). در این مقاله تلاش شده است تا تعاریفی از خیانت و بخشودگی ارائه شود و سپس به وجه تمایز بخشودگی خیانت با بخشش سایر خطاها پرداخته شود و در نهایت عوامل مؤثر بر بخشودگی خیانت مرور شود.

خیانت چیست؟

تعریف خیانت یک موضوع مورد بحث در ادبیات علمی می‌باشد و علیرغم تعاریفی که توسط پژوهشگران ارائه شده، هنوز عناصری از آن مبهم باقی مانده است (هرتلین و ویکس، ۲۰۰۷). در گذشته، خیانت به عنوان نقض قرارداد جنسی انحصاری بین دو فرد نامزد کرده، ازدواج کرده و یا حتی درگیر یک رابطه متعهدانه در نظر گرفته می‌شد. اما اخیراً تعریف آن به گستره‌ای از رفتارها شامل داشتن رابطه جنسی با فردی غیر از شریک خود، دیدن فیلم‌های پورن، درجاتی از صمیمیت فیزیکی مثل بوسیدن یا گرفتن دست و حتی صمیمیت عاطفی با هر فردی غیر از همسر خود (هرتلین، وچلر و پیرسی^۵، ۲۰۰۵) اطلاق می‌شود. این بدین خاطر است که گرچه رابطه جنسی خیانت محسوب می‌شود اما اتکای صرف به آن باعث نادیده گرفتن سایر رفتارهایی نظیر بوسیدن، نوازش کردن یا برقراری رابطه عاطفی با هرکس جز همسر خود می‌شود (هرتلین و ویکس، ۲۰۰۷). افراد درگیر یک رابطه رمانتیک، اغلب اوقات انتظار دارند نیازهای خاصشان به طور انحصاری توسط طرف مقابلشان برآورده شود. خیانت چه به صورت خیانت عاطفی و چه در قالب خیانت جنسی، این چنین انتظارات انحصارطلبانه را نقض می‌کند (ویسمن و واگرز^۶، ۲۰۰۵). بولو^۷ و هارتنت^۸ (۲۰۰۵) در مطالعه‌ی خود خیانت را یک عمل جنسی یا عاطفی خارج از روابط متعهدانه اولیه می‌دانند که شامل نقض اعتماد و یا زیرپا گذاشتن هنجارهای به توافق رسیده (چه به طور آشکار یا پنهان) مربوط به تعهد عاطفی و جنسی، توسط یکی یا هر دو نفر رابطه می‌شود. با وجود درد و رنجی که خیانت به همراه دارد اغلب تلاش‌هایی برای بازسازی رابطه، بخشش فرد خیانت‌کار و حرکت به جلو وجود دارد (کیملدورف، ۲۰۰۸). در مطالعات موجود بخشودگی به عنوان یک مؤلفه مهم التیام فردی و روابط بین فردی در نظر گرفته می‌شود (دیلبلیسیو و پروکتور^۹، ۱۹۹۳) که ضرورتاً هر انسانی نیاز دارد آن را در روابطش تجربه کند (لگاری، ترنل و لولیس^{۱۰}، ۲۰۰۷). در ادامه به بررسی تعریف این پدیده پرداخته خواهد شد.

بخشودگی چیست؟

چالش عمده‌ای که محققان بخشودگی با آن روبرو هستند مشخص کردن یک تعریف دقیق برای بخشودگی است. مک کالو، ورتینگتون و راشل^{۱۱} (۱۹۹۷) بخشودگی را این گونه تعریف کردند: مجموعه‌ای از تغییرات انگیزشی که به موجب آن (۱) تلافی کردن در برابر فرد خطاکار کاهش می‌یابد (۲) انگیزه حفظ بیگانگی و دوری از خطاکار کاهش می‌یابد (۳) مصالحه و حسن نیت در برابر فرد خطاکار افزایش می‌یابد. این تعریف توسط مک کالو و هیت^{۱۲} (۲۰۰۲) این گونه خلاصه شد: بخشودگی شامل کاهش انگیزه انتقام و اجتناب و افزایش خیرخواهی در برابر فرد خطاکار است. پرسز^{۱۳} (۲۰۰۱) بخشودگی را رها شدن از آسب و تلخی گذشته می‌داند. ورتینگتون و وید^{۱۴} (۱۹۹۹) بخشودگی را این گونه تعریف می‌کنند: بخشودگی عبارت است از حذف عواطف منفی و پیدایش عواطف مثبت در برابر

1 Hall and Fincham

2 Hertlein and Weeks

3 WE-NESS

4 Peluso

5 Wetchler and Piercy

6 Wagers

7 Blow

8 Hartnett

9 DiBlasio and Proctor

10 Legaree, Turner, and Lollis

11 MC Cullough, Worthington, and Rachal

12 Hoyt

13 Bercz

14 Wade

فرد خطاکار. انزایت^۱ (۱۹۹۱) بیان می‌کند بخشودگی کاهش عواطف، شناخت‌ها و رفتارهای منفی و افزایش عواطف، شناخت‌ها و رفتارهای مثبت در برابر فرد خطاکار است حتی با وجودی که فرد خطاکار استحقاق آن را نداشته باشد. این تعاریف نشان دهنده‌ی گستره‌ی محدوده‌ایست که بخشودگی در آن عمل می‌کند نه فقط در احساسات ما، بلکه در چگونگی فکر کردن و رفتار کردن در برابر فرد خطاکار (ریک و مانیا^۲، ۲۰۱۲). همانطور که انزایت، فریدمن و ریکو^۳ (۱۹۹۸) بیان می‌کنند بخشودگی فقط حذف عواطف منفی در برابر فرد خطاکار نیست. اکثر نظریه‌پردازان بیان می‌کنند که مثبت شدن نگرش‌ها و رفتار در برابر فرد خطاکار، بخش ضروری بخشودگی حقیقی است (مک کالو، فینچام و تی سنگ^۴، ۲۰۰۳؛ هریس، لاسکین، نرمن، استاندارد، برانینگ، ایوانس^۵، ۲۰۰۶). تی سنگ، مک کالو و فینچام (۲۰۰۶) بخشودگی را مجموعه‌ای از تغییرات انگیزشی دارای منفعت اجتماعی^۶ می‌دانند که در درون فرد خطادیده اتفاق می‌افتد به طوری که او کمتر کینه‌توز، اجتنابی یا بیشتر در برابر همسر متجاوزش خیرخواه می‌شود.

می‌توان تعاریف گفته شده را این گونه جمع‌بندی کرد بخشودگی به عنوان یک هدف درمانی، اغلب در قالب یک فرایند عاطفی، شناختی و رفتاری فهمیده می‌شود که شامل دو مؤلفه‌ی مهم است. مؤلفه‌ی اول، کاهش یا حذف احساسات منفی (مانند خشم و تلخی)، افکار منفی (مانند نشخوار ذهنی و فکر انتقام) و رفتارهای منفی (مانند اجتناب از مکانی که خطا را یادآوری می‌کند) است که به یک خطای خاص مربوط می‌باشد. مؤلفه‌ی دوم که توسط نظریه‌پردازان زیادی (مانند ورتینگتون و وید، ۱۹۹۹) حیاتی‌ترین جنبه‌ی بخشودگی محسوب می‌شود افزایش احساسات، افکار و رفتارهای مثبت و دارای منفعت اجتماعی است. این افزایش تجارب مثبت ممکن است شکل دلسوزی در برابر فرد خطاکار، درک کردن و یا حتی تمایل به داشتن مکالمه‌ای با فرد خطاکار درباره‌ی اتفاق افتاده به خود بگیرد (وید، جانسون و میر^۷، ۲۰۰۸).

برخلاف تعاریف متعدد بخشودگی، توافق قابل ملاحظه‌ای بین محققین در این که بخشودگی چه چیزی نیست وجود دارد. بخشودگی، فراموش کردن خطا، انکار آن، ندیده گرفتن عوارض آن، تبرئه کردن خطا بر مبنای تخفیف دادن حوادث، اغماض کردن یا توجیه کردن خطا و آشتی نیست (دیکورویل، بلیکی و گرین^۸، ۲۰۰۸). بخشودگی و آشتی دو تجربه‌ی متفاوتند که ممکن است با هم رخ بدهند یا ندهند (وید و همکاران، ۲۰۰۸).

بخشودگی خیانت

میت و کوچ^۹ (۲۰۰۷) به نقل از ایپرل و اسچرودت^{۱۰} (۲۰۱۸) خطاهایی را که در رابطه زوجی اتفاق می‌افتد را به سه دسته تقسیم‌بندی کردند: نقض قوانین (شامل اقدامات، رفتارها و حوادثی می‌شود که مستقیم و غیر مستقیم از قوانینی که طرفین رابطه وضع کرده‌اند تخطی می‌کند)، اتفاقات آسیب زنده (که به احساسات طرف مقابل لطمه می‌زند) و خیانت. اما چه عاملی خیانت را از دو خطای دیگر متمایز می‌کند در حالیکه خیانت هم شامل نقض قوانین و هم اتفاقات آسیب زنده می‌شود؟ ایپرل و اسچرودت (۲۰۱۸) بیان می‌کند خیانت، مشکل منحصربفردی را به روابط تحمیل می‌کند و در میان هزاران خطایی که زوجین ممکن است مرتکب شوند شدیدترین آثار تخریب کننده برای دو طرف رابطه دارد. بالتبع تفاوتی که خیانت با سایر خطاهای در رابطه دارد، بخشودگی آن نیز احتمالاً نیازمند طی مراحل مجزایی می‌باشد. در ادبیات تحقیق در خصوص اینکه بخشودگی خیانت چه تفاوتی با بخشودگی سایر خطاهای رابطه‌ای دارد مطلبی به تصریح یافت نشد. اما در این خصوص می‌توان به ۲ نکته اشاره کرد:

نکته‌ی اول در خصوص شدت خطای خیانت برای فرد خیانت‌دیده است که به نوبه‌ی خود بخشودگی آن را دشوار می‌سازد. همان طور که اغلب مدل‌های بخشودگی پیش‌بینی می‌کنند (انزایت، ۱۹۹۱) شدت درک شده‌ی خطای رابطه‌ای، فرایند بخشودگی را شکل

1 Enright

2 Rieck and Mania

3 Friedman and Rique

4 Tsang

5 Harris, Luskin, Norman, Standard, Bruning, and Evans

6 Prosocial

7 Meyer

8 Decourvillem, Belicki, and Green

9 Met and Cupach

10 April and Schrodtt

می‌دهند (والدرن و کلی^۱، ۲۰۰۵). شدت خطا، تأثیر معناداری بر بخشودگی دارد. هر چه خطا شدیدتر باشد سخت‌تر بخشوده می‌شود (کارمنس، ون لانگ و هولند^۲، ۲۰۰۵). در مطالعه‌ی آبراهامسون، حسین خان و اسکوفیلد^۳ (۲۰۱۲) هم آزمودنی‌هایی که مورد خیانت واقع شده بودند و هم آزمودنی‌هایی که خیانت کرده بودند این خطا را بسیار سخت ارزیابی کردند. خیانت چه به صورت جنسی و چه به صورت عاطفی به راحتی بخشیده نمی‌شود و یکی از سخت‌ترین خطاهایی است که افراد در مقابل همسر خود مرتکب آن می‌شوند (بندیکسن، کنیر و گرونوتودت^۴، ۲۰۱۷).

نکته‌ی دوم در ارتباط با فرایند ارتباطی است که بخشودگی خطاهای آسیب‌زایی نظیر خیانت از طریق آن بیان می‌شود. کلی (۱۹۹۸) معتقد است افراد برای نشان دادن بخشش خود از ۳ دسته رفتار استفاده می‌کنند. دسته‌ی اول رفتارهای مستقیم نام دارد. فرد خطا دیده به طور مستقیم و کلامی بحث متقابلی را درباره‌ی خطا و پیامدهایش آغاز می‌کند و به طور مستقیم اظهار می‌دارد که «من تو را بخشیدم». دسته دوم رفتارهای غیر مستقیم می‌باشد که شامل نشانه‌های غیر کلامی از قبیل اشارات سر، حالات چهره و نگاه و استفاده از شوخی می‌شود. دسته‌ی سوم بخشودگی مشروط نام دارد که در آن بخشودگی با وضع شرایطی رخ می‌دهد. فرد خطا دیده بخشودن خود را منوط به بهبود رفتار فرد خطاکار در آینده قرار می‌دهد. در مطالعه‌ی والدرن و کلی (۲۰۰۵) نتایج نشان می‌دهد که پاسخ به خطاهای شدید نظیر خیانت بیشتر از نوع راهکارهای مشروط می‌باشد. فرد خطا دیده به وسیله‌ی وضع شرایطی اعاده‌ی احترام می‌کند و به خود این اعتماد را می‌دهد که خطا دوباره تکرار نمی‌شود. در مقابل رویکردهای کلامی و غیر کلامی کمتر در خطاهای شدید فراوانی دارند. اگر تصمیم به بخشیدن یک خطای شدید رابطه‌ای مانند یک خیانت پر سر و صدا گرفته شود راهکارهای ارتباطی خاص نظیر بخشودگی مشروط ممکن است این تهدید وجهه را ترمیم کند و حفاظت عاطفی را برای فرد آسیب‌دیده فراهم کند.

عوامل مؤثر بر بخشودگی خیانت

یکی از عوامل مؤثر بر بخشودگی خیانت که در ادبیات تحقیق به آن توجه شده است اسنادها می‌باشند. در مطالعه‌ی هال و فینچام (۲۰۰۶) از ۸۷ نفری که تجربه‌ی مورد خیانت واقع شدن در رابطه‌ی عاشقانه را داشتند خواسته شد پرسشنامه‌ای را که حاوی مقیاس‌هایی درباره‌ی چگونگی پاسخ‌دهی آن‌ها به خیانت همسرشان بود را پر کنند. این مطالعه نشان داد که بخشودگی به طور کامل واسطه‌ی بین اسنادها و خاتمه‌ی رابطه می‌باشد. مدل‌های اسنادی بیان می‌کنند که واکنش به رویدادها توسط اسنادها یا توضیح‌هایی که افراد برای آن رویداد ارائه می‌دهند هدایت می‌شود. این مدل‌ها در تلاش برای فهم اینکه زوجها در ازواج و سایر روابط نزدیک چگونه رفتار هم را تفسیر می‌کنند و به رفتار هم پاسخ می‌دهند به کار می‌آیند. برای نمونه بردبری^۵ و فینچام (۱۹۹۰) بیان می‌کنند فرد قربانی خیانت احتمالاً اسنادی را برای رفتار بی‌وفایی طرف مقابلش شکل می‌دهد و ماهیت این اسناد نیز بر پاسخ‌های رفتاری او نسبت به خیانت اثر می‌گذارد. بنابراین اگر فرد اسناد درونی، کلی و ثابت برای خیانت همسرش شکل دهد (مثلاً همسرم به من خیانت کرد چرا که او کلاً غیر قابل اعتماد است و خطای او وابسته به موقعیت خاصی نیست و تغییر نمی‌کند) بیشتر احتمال دارد که به طور منفی واکنش نشان دهد (برای مثال رابطه را پایان دهد). در مقابل اسنادهای بیرونی، خاص و موقت (مثلاً اینکه همسرم اگر مرا فریب داد به خاطر این بود که در موقعیت بدی قرار داشته و این اتفاق دیگر تکرار نمی‌شود) بیشتر ممکن است به آشتی بینجامد. بنابراین اسنادهای فرد قربانی برای خیانت همسرش بخشودگی را تسهیل و یا بازدار می‌کند و در آخر هم بر تصمیم آن‌ها برای ماندن با هم یا جدا شدن از هم تأثیر می‌گذارد (هال و فینچام، ۲۰۰۶). عامل مؤثر دیگر، تأثیری است که روش فهم خیانت بر بخشودگی دارد. در مطالعه‌ی افیفی، فلاتو و وینر^۶ (۲۰۰۱)، چهار روش برای فهم خیانت معرفی می‌شود.

- روش اول: فهم خیانت توسط فرد سوم به طور ناخواسته. در این روش، نفر سومی، شخص خیانت‌دیده را از خیانت مطلع می‌کند.
- روش دوم: دست قرمز. فرد خیانت‌دیده بدون برنامه‌ریزی در حین عمل خیانت در آنجا حضور می‌یابد.
- روش سوم: فهم خودخواسته. فرد خیانت‌دیده، خیانت را بعد از پرسیدن سوالاتی درباره‌ی وفاداری جنسی همسرش از او می‌فهمد.

1 Walderon and Kelley

2 Karremans, Van Lange, and Holland

3 Abrahamson, Hussain Khan, and Schofield

4 Bendixen, Kennair and Grøntvedt

5 Bradbury

6 Afifi, Falato, and Weiner

○ روش چهارم: فهم ناخواسته توسط همسر. شامل موقعیت‌هایی می‌شود که در آن فرد خیانت را طی خودافشایی همسرش متوجه می‌شود.

چهار روش فوق در دو مؤلفه‌ی مهم با هم متفاوتند که بر سطح تهدیدکنندگی‌شان اثر می‌گذارد. یکی ماهیت عمومی بودن فهم و دیگری فرصت برای ترمیم و بازسازی مؤثر و سریع وجهه.

روش اول بیشترین تهدید را برای وجهه‌ی فرد دارد. زیرا که فهم خیانت، آشکارا و عمومی است و فرد خطاکار فرصتی برای جبران سریع ندارد. روش دوم در درجه‌ی دوم تهدید قرار دارد. میزان دانستن عموم و خبردار شدن آنها از خیانت، نامعلوم است اما خیانت خارج از روابط دو نفره کشف شده است. بنابراین تهدید را افزایش می‌دهد اگرچه فرصتی برای جبران کردن سریع توسط فرد خطاکار وجود دارد. روش سوم احتمالاً در خلوت اتفاق می‌افتد بنابراین تهدید را کاهش می‌دهد. روش چهارم کمترین تهدید را به همراه دارد، احتمالاً در خلوت اتفاق می‌افتد و بهترین فرصت را برای جبران به وجود می‌آورد. افیفی و همکاران معتقدند تأثیر خیانت بر روی رابطه مستقیماً به روش فهمی که هویت فرد خیانت‌دیده را تهدید می‌کند مربوط است. روش‌های فهم خیانت از نقطه‌ای که بیشترین تخریب‌کنندگی و کمترین میزان بخشودگی را دارا هستند به نقطه‌ای که کمترین تخریب‌کنندگی و بیشترین میزان بخشودگی را دارا می‌باشند این گونه لیست می‌شوند: روش اول، دوم، سوم و چهارم.

علاوه بر عوامل مؤثر بالا، نظریات تکاملی این فرضیه را بیان می‌کنند که در تصمیم‌گیری برای بخشش یا خاتمه رابطه و متناسب با ماهیت خیانت تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد. در مطالعه‌ی شکلفورد، باس و بنت^۱ (۲۰۰۲) از آزمودنی‌ها خواسته شد طی یک سناریوی فرضی به این سوال پاسخ دهند که آیا بخشیدن زمانی سخت‌تر است که فرد خیانت‌کار رابطه‌ی جنسی با دیگری برقرار کرده باشد یا زمانی که از نظر عاطفی عمیقاً به فرد دیگری وابسته شده باشد و همچنین کدام نوع خیانت بیشتر سبب قطع رابطه می‌شود. ۶۵٪ مردان و ۵۳٪ زنان بیان کردند که بخشودن خیانت جنسی، سخت‌تر از خیانت عاطفی است. ۵۴٪ مردان و ۴۲٪ زنان بیان کردند که امکان قطع رابطه در صورت وجود خیانت جنسی بیشتر از خیانت عاطفی است. شکلفورد و همکارانش از این مطالعه این گونه نتیجه گرفتند که مردان به نسبت زنان سختی بیشتری در بخشیدن خیانت جنسی همسرشان دارند و به احتمال بیشتری در نتیجه‌ی خیانت جنسی همسرشان رابطه را خاتمه می‌دهند. محدودیت اصلی مطالعه‌ی آنها، استفاده از سناریوهای فرضی است. در تلاش برای جبران این نقص، فیلیپس^۲ (۲۰۰۵) از افرادی که در رابطه‌ی فعلی یا رابطه‌ی گذشته‌شان قربانی خیانت بوده‌اند خواست تا تجربیاتشان و چگونگی پاسخ‌دهی خود را به خیانت همسرشان گزارش دهند. گرچه او انتظار داشت برای زنان هرچه عنصر عاطفه در خیانت همسرشان بیشتر باشد بخشودگی پایین‌تر است، این یافته یافت نشد. چه برای زنان و چه برای مردان، احتمال از هم پاشیدگی رابطه زمانی بالاتر است که خیانت عمدتاً عاطفی است. در راستای این یافته‌ها، کیملدورف (۲۰۰۵) در مطالعه‌ی خود بر روی افرادی که با خیانت دست و پنجه نرم کرده‌اند به این نتایج رسید: هرچه شدت خیانت جنسی افزایش می‌یابد افراد کمتر می‌بخشند. اثر تعاملی معناداری بین شدت خیانت و بخشودگی برای زنان و مردان وجود دارد در حالی که برای مردان و زنان افزایش شدت خیانت جنسی با بخشودگی کمتری مرتبط است اثر آن برای زنان به نسبت مردان معنادارتر و مثبت‌تر است. شدت خیانت عاطفی، سطح بخشودگی را پیش‌بینی نمی‌کند. احتمالاً بخشودگی خیانت عاطفی آزمودنی‌ها بدین خاطر تحت تأثیر شدت خیانت نیست که برقراری هرگونه رابطه‌ی عاطفی با نفر سوم توسط همسر برای فرد خیانت‌دیده پذیرفتنی نیست.

گاندرسون و فراری^۳ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای بررسی کردند که چگونه احتمال دارد افراد خیانت جنسی را در روابط عاشقانه ببخشند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که: احتمال بخشودگی در حضور عذرخواهی بیشتر از غیاب آن است. آزمودنی‌ها گزارش کردند که زمانی که عذرخواهی وجود داشت آسان‌تر بود که شریک خیالی خود را بابت خیانت ببخشند. فرایند بخشودگی این افراد زمان کمتری می‌برد و آنها را بیشتر نسبت به آینده رابطه امیدوار می‌کرد و احتمال کمتری برای خاتمه‌ی رابطه وجود داشت. قربانیان خیانت جنسی ممکن است احساس کنند دلایل کمی برای بخشیدن دارند و محق انتقامند گرچه زمانی که عذرخواهی از روی پشیمانی شامل اقرار به کار اشتباه توسط فرد خطاکار با تلاش برای بهبود رابطه همراه می‌شود به نظر می‌رسد قربانیان می‌بخشند، دوباره اعتماد می‌کنند و آشتی می‌کنند. احتمال بخشودگی وابسته به این است که خیانت چند مرتبه اتفاق افتاده است. آزمودنی‌هایی که همسر فرضی‌شان تنها یک بار

1 Shackelford, buss, and Benett

2 Phillips

3 Gunderson and Ferrari

مرتکب خیانت شده بود بیشتر مایل بودند که ببخشند به نسبت افرادی که چند بار مورد خیانت واقع شده بودند. افرادی که طرف مقابلشان یک بار مرتکب این خطا شده بود بیشتر نگران رفتارهای آتی او بودند زیرا که می‌ترسیدند این خطا دوباره تکرار شود. در مقابل افرادی که طرف مقابلشان چندین بار مرتکب این خطا شده بودند کمتر این نگرانی را داشتند زیرا که احتمال کمتری داشت که ببخشند و بیشتر احتمال داشت به رابطه شان خاتمه دهند. برخلاف مطالعه‌ی افیفی و همکاران (۲۰۰۱)، در این مطالعه روش فهم خیانت جنسی فرضی به احتمال بخشودگی نامربوط بود که می‌تواند به چند دلیل باشد. در این مطالعه اکثریت شرکت کنندگان تجربه‌ی واقعی از مورد خیانت جنسی واقع شدن نداشتند در نتیجه ممکن است برای این افراد خیانت آنقدر اسفناک بوده باشد که تفاوتی نکند چطور فهمیده شده باشد. همچنین با توجه به نقش معنادار عذرخواهی و فراوانی خطا ممکن است روش فهم در تصمیم برای بخشودگی بی‌اهمیت باشد. در آخر ممکن است داستانی که در این مطالعه ارایه شده به اندازه‌ی کافی واضح نبوده یا جزئیاتی را به اندازه‌ی کافی درباره‌ی روش فهم خیانت ارایه نکرده باشد.

به نظر می‌رسد عوامل مذکور در پیش‌بینی خیانت با عواملی که به طور کلی بر بخشودگی مؤثرند همراه می‌شوند. برخی از این عوامل به عنوان عوامل زمینه ساز بخشودگی و برخی دیگر به عنوان پیامدهای آن فرض شده‌اند. در مورد عوامل زمینه ساز باید گفت که برخی مؤلفه‌ها نظیر بود و نبود عذرخواهی، شدت خطا و رابطه‌ی نزدیک، مؤلفه‌های موقعیتی هستند. اما برخی دیگر، ویژگی‌های شخصیتی و وضعی هستند که ممکن است منجر به پیش‌بینی بخشودگی در راستای یک سری از حوادث یا روابط و یا در طول یک دوره زمانی شوند (ریک و مانیا، ۲۰۱۲). عوامل مؤثر بر بخشودگی توسط مک‌کالو، راشل، سندیک، ورتینگتون، براون و هایت^۲ (۱۹۹۸) به چهار دسته تقسیم بندی می‌شوند. این دسته‌ها در نزدیکی که با عملکرد حقیقی بخشودگی دارند متفاوتند. دسته‌ای که حداقل نزدیکی را به عملکرد حقیقی بخشودگی دارد شامل شخصیت و تفاوت‌های فردی می‌شود که به احتمال زیاد دربرگیرنده‌ی افرادی است که دارای یک نگرش آرمزنده هستند و مستعد بخشودگی‌اند. اینها مؤلفه‌های موقعیتی یا مرتبط با خطای خاص نیستند و تا حدی درون هر فرد ثابتند. آخرین دسته که کمترین قرابت را با عملکرد حقیقی بخشودگی دارد، شامل مؤلفه‌های شناختی اجتماعی می‌باشد و مؤلفه‌های دیگر از طریق آن‌ها بر شکل‌گیری بخشودگی مؤثر واقع می‌شوند. این ۴ دسته عبارتند از: تاثیرات فردی که در برگیرنده‌ی ویژگی‌های شخصیتی (ریک و مانیا، ۲۰۱۲) و مذهبی بودن (فینچام و می^۳، ۲۰۱۷) می‌شود، تاثیرات مربوط به رابطه که شامل تعهد و نزدیکی (والدرون و کلی، ۲۰۰۸) می‌باشد، تاثیرات مربوط به خطا از جمله شدت خطا (کارمنس و همکاران، ۲۰۰۵؛ فینچام، جکسون و بیچ^۴، ۲۰۰۵) و عذرخواهی (اسکومن^۵، ۲۰۱۲) و تاثیرات شناختی-اجتماعی که شامل همدلی (اسکوکا^۶، ۲۰۱۵)، نشخوار ذهنی (برنت^۷، تیلور^۸، ورتینگتون و فورسیث^۹، ۲۰۰۷) و اسنادها (پالری، ریگالیا^{۱۰} و فینچام، ۲۰۰۵) می‌باشد.

آنچه از میان مطالعات مذکور به دست می‌آید این است که میان برخی از عوامل مؤثر و مفهوم بخشودگی روابط متقابلی دیده می‌شود. به گونه‌ای که برخی از آن‌ها از جمله همدلی و اسنادها گاهی پیش‌نیاز بخشودگی به شمار می‌آیند و گاهی محصول آن. در مواردی هم عوامل یاد شده به واسطه‌ی هم بر بخشودگی مؤثر واقع می‌شوند. به طور مثال کیفیت رابطه از طریق اسنادها می‌توانند بر وقوع بخشودگی مؤثر واقع شوند. در نهایت این که مطالعات چندی وجود دارند که بخشودگی را به صورت کلی و نه در بافت خطای خاصی بررسی می‌کنند؛ این درحالیست که مطالعات اندکی وجود دارند که بر بخشودگی خطای خاص خیانت متمرکز باشند. این موضوع اهمیت انجام مطالعاتی پیرامون بخشودگی خیانت را مشخص می‌کند.

1 Sandage

2 Brown and Hight

3 May

4 Jackson and Beach

5 Schumann

6 Scuka

7 Burnette

8 Taylor

9 Forsyth

10 Regalia

منابع

- Abrahamson, I., Hussain, R., Khan, A., & Schofield, M. J. (2012). What helps couples rebuild their relationship after infidelity?. *Journal of Family Issues*, 33(11), 1494-1519. DOI: <https://doi.org/10.1177/0192513X11424257>.
- Afifi, W. A., Falato, W. L., & Weiner, J. L. (2001). Identity concerns following a severe relational transgression: The role of discovery method for the relational outcomes of infidelity. *Journal of Social and Personal Relationships*, 18(2), 291-308. DOI: <https://doi.org/10.1177/0265407501182007>.
- April, M., & Schrodt, P. (2018). Person-Centered Messages, Attributions of Responsibility, and the Willingness to Forgive Parental Infidelity. *Communication Studies*, 1-20. DOI: <https://doi.org/10.1080/10510974.2018.1469525>.
- Bendixen, M., Kennair, L. E. O., & Grøntvedt, T. V. (2017). Forgiving the Unforgivable: Couples' Forgiveness and Expected Forgiveness of Emotional and Sexual Infidelity From an Error Management Theory Perspective. DOI: <http://psycnet.apa.org/doi/10.1037/eps0000110>.
- Berecz, J. M. (2001). All that glitters is not gold: Bad forgiveness in counseling and preaching. *Pastoral Psychology*, 49(4), 253-275. DOI: <https://doi.org/10.1023/A:1004869004377>.
- Blow, A. J., & Hartnett, K. (2005). Infidelity in committed relationships I: A methodological review. *Journal of Marital and Family Therapy*, 31(2), 183. DOI: <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2005.tb01556.x>.
- Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1990). Attributions in marriage: review and critique. *Psychological bulletin*, 107(1), 3. DOI: 10.1037/0033-2909.107.1.3.
- Burnette, J. L., Taylor, K. W., Worthington, E. L., & Forsyth, D. R. (2007). Attachment and trait forgiveness: The mediating role of angry rumination. *Personality and Individual Differences*, 42(8), 1585-1596. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.paid.2006.10.033>.
- DeCourville, N., Belicki, K., & Green, M. M. (2008). Subjective experiences of forgiveness in a community sample: Implications for understanding forgiveness and its consequences.
- DiBlasio, F. A., & Proctor, J. H. (1993). Therapists and the clinical use of forgiveness. *American Journal of Family Therapy*, 21(2), 175-184. DOI: <https://doi.org/10.1080/01926189308250915>.
- Enright, R. D. (1991). The moral development of forgiveness. *Handbook of moral behavior and development*, 1, 123-152.
- Enright, R. D., Freedman, S., & Rique, J. (1998). The psychology of interpersonal forgiveness. *Exploring forgiveness*, 46-62.
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current opinion in psychology*, 13, 70-74. DOI: <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2016.03.008>.
- Fincham, F. D., Jackson, H., & Beach, S. R. (2005). Transgression severity and forgiveness: Different moderators for objective and subjective severity. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 24(6), 860-875. DOI: <https://doi.org/10.1521/jscp.2005.24.6.860>.
- Gunderson, P. R., & Ferrari, J. R. (2008). Forgiveness of sexual cheating in romantic relationships: Effects of discovery method, frequency of offense, and presence of apology. *North American Journal of Psychology*, 10(1), 1-14.
- Hall, J. H., & Fincham, F. D. (2006). Relationship dissolution following infidelity: The roles of attributions and forgiveness. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25(5), 508. DOI: <https://doi.org/10.1521/jscp.2006.25.5.508>.
- Harris, A. H., Lusk, F., Norman, S. B., Standard, S., Bruning, J., Evans, S., & Thoresen, C. E. (2006). Effects of a group forgiveness intervention on forgiveness, perceived stress, and trait-anger. *Journal of clinical psychology*, 62(6), 715-733. DOI: <https://doi.org/10.1002/jclp.20264>.
- Hertlein, K. M., & Weeks, G. R. (2007). Two roads diverging in a wood: The current state of infidelity research and treatment. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 6(1-2), 95-107. DOI: https://doi.org/10.1300/J398v06n01_09.
- Hertlein, K. M., Wetchler, J. L., & Piercy, F. P. (2005). Infidelity: an overview. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 4(2-3), 5-16. DOI: https://doi.org/10.1300/J398v04n02_02.
- Karremans, J. C., & Van Lange, P. A. (2004). Back to caring after being hurt: The role of forgiveness. *European Journal of Social Psychology*, 34(2), 207-227. DOI: <https://doi.org/10.1002/ejsp.192>.
- Karremans, J. C., Van Lange, P. A., & Holland, R. W. (2005). Forgiveness and its associations with prosocial thinking, feeling, and doing beyond the relationship with the offender. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(10), 1315-1326. DOI: <https://doi.org/10.1177/0146167205274892>.
- Kelley, D. (1998). The communication of forgiveness. *Communication Studies*, 49(3), 255-271. DOI: <https://doi.org/10.1080/10510979809368535>.
- Kimeldorf, M. B. (2008). Reactions to infidelity: Individual, gender, and situational predictors of relationship outcome and forgiveness.
- Legaree, T. A., Turner, J., & Lollis, S. (2007). Forgiveness and therapy: A critical review of conceptualizations, practices, and values found in the literature. *Journal of Marital and Family Therapy*, 33(2), 192-213. DOI: <https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2007.00016.x>.

- McCullough, M. E., & Hoyt, W. T. (2002). Transgression-related motivational dispositions: Personality substrates of forgiveness and their links to the Big Five. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28(11), 1556-1573. DOI: <https://doi.org/10.1177/014616702237583>.
- McCullough, M. E., Fincham, F. D., & Tsang, J. A. (2003). Forgiveness, forbearance, and time: the temporal unfolding of transgression-related interpersonal motivations. *Journal of personality and social psychology*, 84(3), 540. DOI: <http://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.84.3.540>.
- McCullough, M. E., Rachal, K. C., Sandage, S. J., Worthington Jr, E. L., Brown, S. W., & Hight, T. L. (1998). Interpersonal forgiving in close relationships: II. Theoretical elaboration and measurement. *Journal of personality and social psychology*, 75(6), 1586. DOI: <http://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.75.6.1586>.
- McCullough, M. E., Worthington Jr, E. L., & Rachal, K. C. (1997). Interpersonal forgiving in close relationships. *Journal of personality and social psychology*, 73(2), 321. DOI: <http://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.73.2.321>.
- Metts, S., & Cupach, W. R. (2007). Responses to relational transgressions: Hurt, anger, and sometimes forgiveness. *The dark side of interpersonal communication*, 2, 243-274.
- Paleari, F. G., Regalia, C., & Fincham, F. (2005). Marital quality, forgiveness, empathy, and rumination: A longitudinal analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(3), 368-378. DOI: <https://doi.org/10.1177/0146167204271597>.
- Peluso, P. R. (Ed.). (2007). *Infidelity: A practitioner's guide to working with couples in crisis*. Routledge.
- Phillips, A. (2005). *Reactions to infidelity: Gender differences and relative mate value* (Doctoral dissertation, UNIVERSITY OF OKLAHOMA). DOI: <https://hdl.handle.net/11244/916>.
- Riek, B. M., & Mania, E. W. (2012). The antecedents and consequences of interpersonal forgiveness: A meta-analytic review. *Personal Relationships*, 19(2), 304-325. DOI: <https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2011.01363.x>.
- Schumann, K. (2012). Does love mean never having to say you're sorry? Associations between relationship satisfaction, perceived apology sincerity, and forgiveness. *Journal of Social and Personal Relationships*, 29(7), 997-1010. DOI: <https://doi.org/10.1177/0265407512448277>.
- Scuka, R. F. (2015). A clinician's guide to helping couples heal from the trauma of infidelity. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 14(2), 141-168. DOI: <https://doi.org/10.1080/15332691.2014.953653>.
- Shackelford, T. K., Buss, D. M., & Bennett, K. (2002). Forgiveness or breakup: Sex differences in responses to a partner's infidelity. *Cognition & Emotion*, 16(2), 299-307. DOI: <https://doi.org/10.1080/02699930143000202>.
- Tsang, J., McCullough, M., & Fincham, F. D. (2006). Forgiveness and the psychological dimension of reconciliation: A longitudinal analysis. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 25(4), 404-428. DOI: <https://doi.org/10.1521/jscp.2006.25.4.448>.
- Wade, N. G., Johnson, C. V., & Meyer, J. E. (2008). Understanding concerns about interventions to promote forgiveness: A review of the literature. *Psychotherapy: Theory, research, practice, training*, 45(1), 88. DOI: <http://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0033-3204.45.1.88>.
- Waldron, V. R., & Kelley, D. L. (2005). Forgiving communication as a response to relational transgressions. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22(6), 723-742. DOI: <https://doi.org/10.1177/0265407505056445>.
- Waldron, V. R., & Kelley, D. L. (2008). *Communicating forgiveness*. Sage.
- Whisman, M. A., & Wagers, T. P. (2005). Assessing relationship betrayals. *Journal of clinical psychology*, 61(11), 1383-1391. DOI: <https://doi.org/10.1002/jclp.20188>.
- Whisman, M. A., Dixon, A. E., & Johnson, B. (1997). Therapists' perspectives of couple problems and treatment issues in couple therapy. *Journal of Family Psychology*, 11(3), 361. DOI: <http://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0893-3200.11.3.361>.
- Worthington Jr, E. L., & Wade, N. G. (1999). The psychology of unforgiveness and forgiveness and implications for clinical practice. *Journal of Social and clinical psychology*, 18(4), 385. DOI: <https://doi.org/10.1521/jscp.1999.18.4.385>.